

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه جلسه گذشته

در جلسه گذشته بیان شد که صحیح حلبی با تعبیر «دخلت العمرة في الحج» نشان می‌دهد که برای کسی که وظیفه‌اش حج تمتع است و امکان انجام حج ندارد، عمره واجب نیست. مرحوم آیت‌الله شاهرودی قدس سره با استناد به اطلاق آیه «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» و برخی روایات اجزاء، مانند روایت یعقوب بن شعیب که در آن تعبیر «مكان العمرة المفردة» آمده، وجوب عمره مفرده را برای نائی غیر مستطیع بر حج اثبات کرده‌اند. اما در پاسخ، حضرت استاد تأکید دارند که عمره مفرده قبل از نزول آیه حج تمتع واجب بوده، اما پس از آن، این حکم تغییر یافته و در حج تمتع ادغام شده است. بنابراین، تعبیر «مكان عمرة المفردة» اشاره به همان عمره‌ای دارد که قبل از نزول حکم حج تمتع واجب بوده و دیگر به‌عنوان یک تکلیف مستقل وجود ندارد. همچنین، در روایت مذکور، اصطلاح «اجزاء» به معنای کفایت اصطلاحی نیامده، بلکه تنها وظیفه فعلی مکلف مشخص شده است.

استفاده حضرت استاد از عبارت «كذلك أمر رسول الله»

در ابواب عمره، چند روایت درباره مسئله اجزاء و تعبیر «اجزاء» وجود دارد. از جمله، صحیح حلبی [1] از امام صادق علیه‌السلام که فرمودند: «إذا استمتع الرجل بالعمرة فقد قضا ما عليه من فريضة العمرة»؛ یعنی اگر کسی عمره تمتع انجام دهد، فريضه عمره مفرده واجب خود را نیز ادا کرده و در صورت استطاعت بعدی، دیگر نیازی به انجام عمره مفرده نخواهد داشت. همچنین، در صحیح معاویه بن عمار [2]، امام علیه‌السلام در پاسخ به این پرسش که «فمن تمتع بالعمرة إلى الحج أيجزى ذلك عنه؟» فرمودند: «نعم»، که نشان‌دهنده کفایت عمره تمتع از عمره مفرده است. در صحیح یعقوب بن شعیب [3] نیز آمده که وی از امام صادق علیه‌السلام درباره آیه «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» پرسید که آیا کسی که عمره تمتع انجام داده، این عمل جایگزین عمره مفرده خواهد شد؟ امام علیه‌السلام پاسخ دادند: «كذلك أمر رسول الله أصحابه»، یعنی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز اصحاب خود را به همین دستور ملزم کرد.

مرحوم والد بر تعبیر «دخلت العمرة» در صحیح حلبی تأکید داشتند، اما به نظر می‌رسد که تعبیر قوی‌تر در صحیح یعقوب بن شعیب باشد. سؤال یعقوب بن شعیب درباره جایگزینی عمره تمتع به‌جای عمره مفرده واجب است، اما امام علیه‌السلام در پاسخ، تعبیر «نعم يجزى» را به‌کار نبرده‌اند، بلکه فرمودند: «كذلك أمر رسول الله»، که نشان‌دهنده تبدیل حکم است نه صرفاً اجزاء. پیش از تشریع حج تمتع، افراد در صورت استطاعت مکلف به عمره مفرده بودند، اما پس از این تشریع، تکلیف آنان به عمره تمتع تغییر کرد و دیگر عمره مفرده بر آنان واجب نیست. این نکته بسیار مهم است، زیرا اگر امام علیه‌السلام می‌فرمودند «نعم يجزى»، مفهوم آن این بود که همچنان دو تکلیف مستقل (عمره مفرده و عمره تمتع) وجود دارد و در صورت استطاعت بر عمره مفرده، باید آن را انجام داد. اما تعبیر «كذلك أمر رسول الله» نشان می‌دهد که اساساً تکلیف سابق (عمره مفرده) با نزول حکم جدید تغییر یافته و جای خود را به عمره تمتع داده است، نه اینکه صرفاً عمره تمتع جایگزین آن شود. بنابراین، بحث اجزاء در اینجا مطرح نیست، بلکه موضوع تغییر و تبدل حکم است.

کلام مرحوم آیت الله فاضل در تعارض دو صحیح

مرحوم والد ما پس از تحلیل صحیح حلی، با تعجب از نظر مرحوم آقای شاهرودی، اشکال دیگری را نسبت به استدلال ایشان به صحیح یعقوب بن شعیب مطرح می‌کنند.[4] ایشان بیان می‌کنند که اگر بر فرض بپذیریم که صحیح یعقوب بن شعیب ظهور در اجزاء دارد، به این معنا که اگر کسی حج تمتع را انجام دهد، دیگر عمره مفرده لازم نیست، اما اگر کسی بر حج تمتع مستطیع نشد، ولی استطاعت برای عمره مفرده پیدا کرد، باید آن را انجام دهد. در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که ظهور کدام روایت قوی‌تر است؟ اگر این دو روایت را در تعارض قرار دهیم، از یک سو صحیح حلی تصریح دارد که عمره مفرده برای کسی که وظیفه‌اش حج تمتع است، مشروع نیست و از سوی دیگر، صحیح یعقوب بن شعیب بر اجزاء دلالت دارد. با مقایسه این دو، مرحوم والد نتیجه می‌گیرند که ظهور صحیح حلی در نفی مشروعیت عمره مفرده برای متمتع، از ظهور صحیح یعقوب بن شعیب در اجزاء قوی‌تر است.

نقد حضرت استاد به نحوه بیان مسأله دوم

تعبیر «تُجزئ العمره المتمتع بها عن العمره المفردة» که مرحوم امام در مسئله دوم تحریر الوسیله آورده‌اند، صحیح به نظر نمی‌رسد، هرچند مرحوم سید یزدی در عروة الوثقی نیز همین تعبیر را به‌کار برده است. در مسئله دوم، سید تصریح می‌کند که عمره تمتع از عمره مفرده به دلیل اجماع و اخبار کفایت می‌کند، اما در واقع، تعبیر «تجزئ» نادرست است، زیرا کسی که حج تمتع بر او واجب است، اصلاً عمره مفرده بر او واجب نیست تا بخواهیم بگوییم که عمره تمتع از آن کفایت می‌کند. بلکه تعبیر صحیح این است که این جایگزینی از باب «تبدل» است، نه از حیث اجزاء. بنابراین فرد مکلف تنها یک وظیفه دارد، نه اینکه دو تکلیف بر عهده او باشد و یکی از آن‌ها از دیگری کفایت کند.

نتیجه‌ای که از این بحث گرفته می‌شود این است که تعبیر در مسئله باید اصلاح شود. نباید ابتدا گفته شود که عمره تمتع از عمره مفرده کفایت می‌کند، بلکه باید این‌گونه مطرح شود که آیا کسی که وظیفه‌اش حج تمتع است، بر او عمره مفرده واجب نیست. لذا باید بیان شود که در مورد متمتع، حکم عمره مفرده به عمره تمتع تبدیل شده است.

این مسئله در مورد کسانی که به نیابت حج انجام می‌دهند، روشن‌تر است. مثلاً فردی که حج تمتع نیابتی را به جای منوب‌عنه انجام داده و پس از پایان حج در مکه حضور دارد، می‌تواند به میقات رفته و یک عمره مفرده انجام دهد، زیرا مستطیع است. اما هیچ فقهی فتوا نداده که چنین شخصی، بعد از انجام حج تمتع نیابتی، موظف است که برای خودش عمره مفرده انجام دهد.

دلیل سوم: سیره متشرعه

یکی از دلایلی که صاحب جواهر به آن تمسک کرده[5] و دیگران مانند مرحوم آقای خوئی و مرحوم والد ما نیز از آن تبعیت کرده‌اند، سیره متشرعه است. این سیره‌ی مسلم در میان متدینین وجود داشته که پس از نزول آیه‌ی تمتع و در دوران ائمه معصومین، به‌ویژه در زمان امام باقر و امام صادق (علیهما السلام)، هیچ موردی گزارش نشده است که فردی مستطیع برای عمره مفرده، اما غیرمستطیع برای حج تمتع، از امام سؤال کند و امام علیه‌السلام به او دستور انجام عمره مفرده بدهد. این در حالی است که مسلم است در آن دوران بسیاری از اصحاب و متدینین در مدینه برای عمره مفرده استطاعت داشتند، اما چنین تکلیفی برای آن‌ها مطرح نبوده و این امر نشان‌دهنده عدم وجوب عمره مفرده در فرض مورد بحث است.

البته، در بحث سیره پیش‌تر اشاره شد که مرحوم شیخ انصاری به همه‌ی سیره‌های متشرعه اشکال صغروی دارد، اما آن اشکال در اینجا وارد نیست. گرچه برخی از سیره‌ها ممکن است ناشی از بی‌مبالاتی در دین باشند، اما در این مورد چنین احتمالی منتفی است. چراکه افراد بسیاری در آن دوران استطاعت انجام عمره مفرده را داشتند، اما در هیچ موردی از معصومین نقل نشده که به آن‌ها امر به انجام عمره مفرده کرده باشند. این امر، خود دلیلی بر عدم وجوب عمره مفرده در این فرض است.

دلیل چهارم: قاعده لو کان لبان

ممکن است کسی در صغرای سیره خدشه کند، همان‌طور که مرحوم شیخ انصاری اعلی‌الله‌مقامه در پذیرش سیره‌های متشرعه صغریاً تردید داشت. اما حتی اگر در استناد به سیره تردید کنیم، قاعده‌ی «لو کان لبان» در این مساله جریان دارد؛ اگر پس از نزول آیه‌ی تمتع، عمره مفرده برای نائیان واجب بود، این مسئله باید از سوی ائمه علیهم‌السلام بیان می‌شد و اصحاب نیز در این مورد سؤال می‌کردند. با این حال، حتی یک مورد گزارش نشده که امام علیه‌السلام، پس از نزول آیه، به کسی دستور داده باشد که در فرض استطاعت بر عمره مفرده، آن را انجام دهد. قاعده لو کان لبان با سیره متشرعه متفاوت است، زیرا سیره وجه اثباتی دارد و در اینجا از وجود این سیره در بین متشرعه که بعد از حج، عمره مفرده را انجام نمی‌دادند به این می‌رسیم که شارع هم با این مطلب هم نظر است ولی قاعده لو کان لبان حیث سلبی دارد و از عدم نقل روایتی در این مورد به عدم تشریع آن پی می‌بریم.

بنابراین، هم استناد به سیره و هم قاعده‌ی «لو کان لبان» نشان می‌دهد که برای نائی، اگر استطاعت برای عمره مفرده پیدا کند، این عمره بر او واجب نیست. البته، انجام آن به عنوان یک امر مستحب بهتر است.

و صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

پاورقی

- [1] مُحَمَّدٌ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا اسْتَمْتَعَ الرَّجُلُ بِالْعُمْرَةِ فَقَدْ قَضَى مَا عَلَيْهِ مِنْ فَرِيضَةِ الْعُمْرَةِ. (حر عاملی، محمد بن حسن، «تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة»، ج 14، ص 305، حدیث 1.)
- [2] وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْعُمْرَةُ وَاجِبَةٌ عَلَى الْخَلْقِ بِمَنْزِلَةِ الْحَجِّ عَلَى مَنْ اسْتَطَاعَ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ وَ أَتَمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلَّهِ، وَ إِنَّمَا أُنْزِلَتِ الْعُمْرَةُ بِالْمَدِينَةِ، قَالَ قُلْتُ: لَهُ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ، أَوْ يُجْزَى ذَلِكَ عَنْهُ قَالَ نَعَمْ. (همان، ج 11، ص 8، حدیث 5.)
- [3] وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَتَمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلَّهِ، يَكْفِي الرَّجُلَ إِذَا تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ مَكَانَ تِلْكَ الْعُمْرَةِ الْمُفْرَدَةِ قَالَ كَذَلِكَ أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَصْحَابُهُ. (همان، ج 14، ص 306.)
- [4] مع انه لو فرض كون المرتكز في ذهن السائل ما اراده المستدل، و فرض وجود تقرير الامام - عليه السلام - بالنسبة الى ذلك، مع انه محل منع، فهل يصلح ذلك للنهوض في مقابل صحيحة الحلبي المتقدمة، الظاهرة في عدم وجوب العمرة المفردة، غير الداخلة في الحج على النائي، الذي تكون وظيفته حج التمتع مع الاستطاعة. (فاضل موحدي لنكراني، محمد، «تفصیل الشریعة (كتاب الحج)»، ج 2، ص 228.)
- [5] ربما تشهد له السيرة على عدم استقرار عمرة على من استطاع من النائين فمات أو ذهب استطاعته قبل أشهر الحج، و عدم الحكم بفسقه لو أخر الاعتمار إلى أشهر الحج. (صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر، «جواهر الكلام (ط. القديمة)»، ج 20، ص 445.)

منابع

حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم - ایران، مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، 1416.

حسینی شاهرودی، سید محمود، کتاب الحج (شاهرودی)، قم - ایران، مؤسسة أنصاریان للطباعة و النشر، بی‌تا.
صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر، جواهر الكلام (ط. القديمة)، بیروت، دار إحياء التراث العربي، بی‌تا.
فاضل موحدي لنكراني، محمد، تفصیل الشریعة (كتاب الحج)، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، 1418.